

سلجوقنامه، ظهیری نیشابوری

وراحة الصدور راوندی

بقلم آقای میرزا اسماعیل خان افشار

۲

اینک جدولی از مقایسه بعضی مواضع راحة الصدور با فقرات معادله آن در سلجوقنامه ظهیری نیشابوری جزء کتاب زبده التواریخ درج مینمائیم:

راحة الصدور

وعلمی که ملوک را باید که بعد از علم شریعت و ما یحتاج و توحید و ارکان بدانند سیر ملوک و اخبار تاریخ پادشاهانست و چون بر آن واقف شوند و سیرت و طریقت هر یک بخوانند و بدانند آنچه خلاصه مکارم اخلاق گذشتگان و سبب نام نیک در دنیا و ثواب و مغفرت و عقیبی بود از بهر خود بر گزینند و پیشوا و مقتداسازند و در این معنی باشباع و اختصار کتب ساخته اند و مجلدات پرداخته و در ملت اسلام بعد از خلفای راشدین در دولت بنی العباس پادشاهانی دین دار تر و بزرگوار تر از آل سلجوق نبودند و چندان خیرات که در دولت سلاطین آل سلجوق و ایام همایون ایشان ظاهر شد از احیای معالم دین و تشیید قواعد مسلمانی و بنای مساجد و انشای مدارس و رباطات و قناطر و ادرار و اوقاف برعاما و سادات

سلجوقنامه (نسخه خطی نگارنده)
واز علمی که ملوک را بدان حاجت آید بعد از علم توحید و معرفت و احکام شرع نبوی و ارکان دین مصطفوی سیر مرضیه ملوک و تاریخ پادشاهان ماضیه است که چون بر آن واقف و مطلع شوند سیرت و طریقت مصیب... بدانند آنچه خلاصه مسمی اخلاق گذشتگان سبب رفعت و در دنیا موجب صواب و در عقیبی... اختیار کنند و آنرا پیشوا و مقتداسازند و آنچه مذموم عقل و مکر و شرع... و تواریخ ملوک ماضی بسیار است و مورخان چالاک در آن فن باشباع و اختصار تصانیف ساخته اند و مجلدات مفید پرداخته معلوم است که در مدت شاهان عراق و خراسان معاصر عباسیان... اول ظاهر به وصفار به و سامانیه و دیالمه و سلجوقیه و غیرهم اند و از این جماعه مذکور سلاطین بزرگوار تر و بر رعیت مشفق تر و پر خیر تر و بر عامه خلق سزاوارتر از ملوک آل سلجوق نبوده اند و الله یوتی - الملك من تشاء قال جل ذکره و ربك یخلق ما یشاء چه چندان خیراتی و مبرات که در ایام دولت آن خاندان ظاهر گشت از اجتماع و تشیید قواعد مسلمانی و بناء مدارس و انشاء مساجد و رباطات و قناطر و اوقاف و ادرار

۱- در نسخه اصل پاك شده. ۲- كذا. ۳- كذا.

۴- كذا. ۵- پاك شده. ۶- كذا.

و ابطار که بر علما و فضلا و صلحا و زهاد و عباد و قضاة و سادات و اخیار و ابرار کرده اند در هیچ روزگار نبوده و آثار آن هنوز در ممالک اسلام باقیست و اجتهادی که فرموده در غزو و کفار و قمع و قهر اشرار و زمره بدعت فجار و جهد و سعی که با یام خلفا کرده اند بر روی روزگار و صفحه لیل و نهار باقی مانده است پس ملوک و پادشاهان عصر را بآداب و سیر پسندیده ایشان اقتدا کردن سبب تائید دین و دولت و تاسیس قواعد مملکت باشد - ص ۶۷

بعد از این حال عدل و پادشاهی و تاریخ انساب آل سلجوق و ذکر ابتدای نهضت و حرکت در طلب ملک و مدت عمر و پادشاهی هر یک و وقایع غریب که در دولت همایون ایشان افتاد چند تا که این مجموع تحمل کند ایراد خواهم کرد و اسامی وزرا و حجاب و انا بکان ایشان هر یک بیارم تا سلطان ماهر غیاث الدین بخواند و بنظر اشرف او ماحوظ شود و مشرف گردد و بموقع احقاد و محل ارتضا افتد .

که هایت ملائکه تسبیح و تهلیل است و عبادت و حایت ملوک عدل و سیاست .

و ابطار که بر علما و فضلا و صلحا و زهاد و عباد و قضاة و سادات و اخیار و ابرار کرده اند در هیچ روزگار نبوده و آثار آن هنوز در ممالک اسلام باقیست و اجتهادی که فرموده در غزو و کفار و قمع و قهر اشرار و زمره بدعت فجار و جهد و سعی که با یام خلفا کرده اند بر روی روزگار و صفحه لیل و نهار باقی مانده است پس ملوک و پادشاهان عصر را بآداب و سیر پسندیده ایشان اقتدا کردن سبب تائید دین و دولت و تاسیس قواعد مملکت و مات باشد . بنا برین مقدمات از انساب و سیر پسندیده سلجوقیان مختصری ایراد و القا کردن و ذکر ابتدا دولت و نهضت و حرکت و اقامت ایشان در استخلاص ملک و مدت عمر و پادشاهی هر یک و وقایع غریب که با یام دولت هر یک افتاده بر سیل ایجاز و اختصار ایراد افتد و همچنین وزراء و امرا و نواب و حجاب و مقربان و مطیعان ارجو که بمحل ارتضاء و منزلت احقاد پیوندند . بیاید دانست که گزیدگان خلائق ملائکه مقرب و انبیاء مرسل و امامان و پادشاهان عادل اند و هر صنفی را مرتبه و درجه هست . ملائکه مقربان حضرت قدس و ساکنان روضه انس اند و انبیاء و اوصیا و اسطه اند میان خالق ۱ ... و خلائق و مبین راه هدی و ممیز میان حرام و حلال و ملوک راعی رعیت و حامی شریعت و طریقت و حقیقت خلائق از اقراع آفت و محافظ و حایت ملائکه تسبیح و تهلیل و حایت انبیا و اوصیا علوم و عبادت و حایت ملوک عدل و سیاست .

و زهاد و ابرار در هیچ روزگار نبود و آثار آن در ممالک اسلام ظاهر است - صفحه ۶۶

و ملوک روزگار را بآثار سیرت پسندیده ایشان اقتدا کردن سبب تائید دین و دولت و تاسیس قواعد مملکت باشد - ص ۶۷

بعد از این حال عدل و پادشاهی و تاریخ انساب آل سلجوق و ذکر ابتدای نهضت و حرکت در طلب ملک و مدت عمر و پادشاهی هر یک و وقایع غریب که در دولت همایون ایشان افتاد چند تا که این مجموع تحمل کند ایراد خواهم کرد و اسامی وزرا و حجاب و انا بکان ایشان هر یک بیارم تا سلطان ماهر غیاث الدین بخواند و بنظر اشرف او ماحوظ شود و مشرف گردد و بموقع احقاد و محل ارتضا افتد .

که هایت ملائکه تسبیح و تهلیل است و عبادت و حایت ملوک عدل و سیاست .

حال دقت شود که ازین دو بیرون نیست یا باید فرض کرد که رساله تاریخ سلاجقه از روانای سرقت شده در این صورت بایستی خلاصه راحة الصدور باشد نه اینکه بسیاری از مطالب را زاید بر آن کتاب داشته باشد . نگارنده در اینجا بجهت احتراز از تطویل بنقل مقدمه راحة الصدور و سلاجقنامه اکتفا کردم مابقی را برین قیاس باید کرد و بطوریکه در فوق اشاره شد راحة الصدور از ابتدا تا اوائل سلطنت طغرل خلاصه این رساله است، منتها در بعضی موارد باختصار این رساله پرداخته و در موردی که خواسته از خود چیزی بیفزاید . یا بعضی مطالب کتاب را مقدم مؤخر نویسد اشتباهات مضحک کرده را وندی وفات محمود غزنوی را در سنه ۴۲۸ هـ ذکر کرده، در سلاجقنامه سنه ۴۱۱ هـ ذکر شده و در طغرل را به نیشابور رسوا در سنه ۴۲۴ هـ می نویسد و در سلاجقنامه سنه ۴۲۸ هـ ذکر شده، را وندی برای اینکه تملقی به غیاث - الدین کیخسرو نماید گوید بتاریخ ذی الحجج سنه خمس و خمسین و اربعمائه البارسلان محمد بن ابی - سلیمان پسر طغرلک سلیمان را که کودک بود بر کنار گرفت و بر تخت نشست و پادشاهی عراق و

خراسان برو مقرر شد. مدت ملکش دوازده سال بود. بعد از وفات عمش طغرلبک و دوسال پیش از آن بخراسان بعد از وفات پدرش چغری بیگ - در رساله ظهیری گوید (الب ارسلان در ذی الحجه این سال بیامد و بری بر تخت مملکت بنشست، سلیمان برادر را بر کنار گرفته و پادشاهی عراق و خراسان برو مسلم شد) و بعد از سوق تاریخ الب ارسلان باز گوید (و مدت ملکش دوازده سال بعد از وفات عمش طغرلبک دوسال بخراسان بعد از وفات پدرش چغری بیگ الی آخر) سلیمان جد سلاطین سلاجقه روم و کیخسرو میباشند. رواندی ویرا پسر طغرلبک جعل کرده چون راحة الصدور را بنام وی تالیف کرده است.

ظهیری نیشابوری

متأسفانه راجع به ترجمه ظهیری در کتب سیر و اخبار ذکر نشده. رواندی گوید که وی معلم سلطان طغرل و مسعود بوده شاید وفاتش در اوایل سلطنت طغرل بوده که کتاب خود را بانجام رسانده. سلجوقنامه ظهیری بواسطه اهمیت موضوع و فقدان تالیفی دیگر در اینخصوص از زمان تالیف شهرت عظیم یافته و قبول عمومی بهم رسانده چه بتصریح رواندی وی معلم دو نثر از سلاطین سلجوقی بوده و غالب وقایع زمان خود را بچشم مشاهده کرده یا از ثقات شنیده از این جهت عموم مورخین ایران بلافاصله بعد از تالیف این کتاب تا زمان غفاری با اسم و رسم از سلجوقنامه نقل کرده اند و فی الواقع راجع بتاریخ آل سلجوق هیچ کتابی درید مورخین ایران نبوده. چون نگارنده مصمم نشر این رساله میباشم پیش ازین در اینخصوص عرضی نکرده و برای اینکه مطالب کاملاً واضح شود خاتمه سلجوقنامه و متابل آنرا از راحة الصدور در اینجا نقل میکنم.

راحة الصدور

سلطان طغرل پادشاهی بود در آشیان دولت زاد و در خاندان اقبال نشویافته. ملکی نایبوسیده بدور رسیده و کسوت نا کوشیده پوشیده... و هیچ پادشاه را از پدران وجدان او انارالله برهانم این خصایص جمع نبود از کمال عقل و افاضت عدل و وفور علم و شمول حلم و تحفظ و تیقظ و عالم دوستی و عنف و خط و بلاغت و چابک سواری و نیزه داری و جمله سلاحها بغایت کمال کار فرمودن که او را از مطامع زندگانی و عنفوان جوانی حق تعالی ارزانی داشته بود و عمرش و دولت می فرود و بفرق

سلجوقنامه ظهیری

سلطان طغرل پادشاهی بود در آشیانه دولت بوجود آمده و در ریاض جاندار دولت و اقبال نشو و نما یافته ملکی نایبوسیده بدو رسیده و کسوت سلطنت نا کوشیده پوشیده از مهد به تخت تحویل کرده و از مکتب ادب بی تعب طلب بر هر کب ملک سوار شده و عدد ایام و عسوه انام و تاثیر طالع و احکام نجوم نابرد مریخ دولتش بی دانه بدام آمده و توسن ملکش بیفسار و لگام رام شده رنج ادا کی؟ نابرد و نان ۲ کی ناخورده بر سر خوان گذاشته و خزانه پیراسته نشسته و اینهمه اقبال و دولت بفر مدلت و بمن تربیت و رای و روبه و تیغ جهانگیر کشور کشای اتابک اعظم نصره الدنيا والدین محمد ایام کی بروی نموده که ملکی از دست رفته بد و ملکی در همان ولایت بزدر یرد و اصفهان مقام ساخته چون محمد بن طغرل بن محمد بن ملکشاه و اسباب اطراف

وقدم تاج و تخت می‌بیمود وزمان
زمان سلطان میگفت

شعر

بوی تو بگرفت جهان فاش هنوز
تا باد صبا بر تو بزد باش هنوز

عتان مقاومت با خود گرفته منتظر تقلب روزگار و
تهاریف لیل و نهار بوده بیمدد و معاونه ایشان اعتماد
رعون خدای جبار و قهار و قوت با آزادی کامکار خود
کرد و بمدت یکماه دو تاختن بود یکی بیارس و دیگر
باذربایجان و ملک دو اقلیم مستخلص کرد و دو ملک را بملازمت
قلاع قائم بی منت و روانه امرای اطراف، لاجرم چون
دبده دولت و کوبه نصرت که متابع تیغ اوست و
اقبال ملازم رکاب او و جهان مسخر فرمان او مشاهده
کردند از سر عجز و اضطراب سر برخط فرمان او
نهادند و یای بر جاده اخلاص و وفا ثابت پنداشتند و بعد
از ظفر و نصرت بر بلاد وقمع و قهر اضرار هیچ شخص
را در آن فتنه و فتور دو دلی و دوهوائی مواخذت نفرمود
و چنانچه از طیب کرم و حسن اخلاق و طهارت اعراق
او سزید همکنانرا بنواخت و بزیادتی مراجب و نان
پاره مخصوص کرد و شعار استشعار از روی کار ایشان
برداشت تا جمله در مسرع مدت و مربع خصب آسوده و
ایمن باشند و دوام دولت و شمول نعمت او از باری تعالی در
میخواهند با اوقات خلوات و فرط این معدلت و فیض این
عاطفت اقتضای آن میکند که نه بس روزگار تمامی اقلیم
جهان در تحت فرمان سلطان ایران آید خصوصاً که هر روز
این پادشاه حیدر دل جمشید فر تهمن تن حاتم کف
که دولتش به دوام مقرون باد و زندگانی بکام دل
موصول چه اظهار آثار سلف و خصایص پادشاهی و امارت
جهاننداری معاینه مشاهده می‌افتد و علامت جهاننداری بر
صفحات و جنات ناصیه او معین میشود امید بندگان و
امراء دولت در ایام سلطنت او استدامت می‌پیوندد. هیچ
پادشاه را از پدر و جدان این خصایص نبوده و این ممالک
بارت بایشان نرسیده که بدو رسید امیدست که بفیض
حق تعالی این کمال عقل و وفور علم و شمول حلم و نشر
عدل و کمال تیقظ و تحفظ و شجاعت و عفت نفس و
علما دوستی و خط و بلاغت و چابکسواری و نیزه داری
و هنر و فرهنگ باختن و آنچه لایق و مستحب حالت
ملوک باشد که او را در عنفوانی جوانی و مطلع زندگانی
که حق تعالی ارزانی داشته هر روز دولتی و نعمتی و

موهبتی دیگر چون عمر و دولت در می افزاید تا بفرق
و قدم تاج و تخت را می آراید و این خصال خوب و
خصایص محبوب بجائی برسد که فهم عقلا از ادراک قاصر آید

شعر

بوی تو بگردست جهان فاش هنوز
تا بر تو وزد باد صبا باش هنوز

ملاحظه شود علاوه بر یکی بودن عین مطالب راوندی اینقدر قدرت تصرف هم نداشته است که لا اقل عبارات کتاب را سطحاً تغییر دهد و با احتمال بسیار قوی خاتمه راحة الصدور یعنی بقیه تاریخ طغرل ارین ببعده که تاریخ ظهیری بتصریح ابوحامد خاتمه یافته باید از ذیل دیگری بسلاجوقنامه سرقت شده باشد چون ذیل ابوحامد در انقراض سلطنت آل ساجوق اهمیت مخصوص دارد و مانند تاریخ ظهیری در زبده التواریخ کاشانی در ذیل سلاجوقنامه‌ی ظهیری فوق درج شده ما نیز عین آن رساله را در شماره آتیه در صفحات مجله طبع خواهیم کرد و بعد از استنساخ و تصحیح این رساله روزی خدمت حضرت آقای حاجی حسین آقای ملکی که بدون ذره‌ی مبالغه در عظمت مقام اخلاق و مملکت فاضله وجودی بیمانند و فی الواقع خداوند تبارک و تعالی این شخص محترم را برای امور خیر آفریده اند رسیده و بعد از سعادت دریافت محضر بر فیض ایشان عین این رساله را با قسمت اول جلد سیم زبده التواریخ شهاب الدین عبدالله بن لطف الله حافظ ابرو و جاد اول مجمع التواریخ ساطانی تالیف همو مقابله کرده و مقصود از علامت ح م در حواشی ذیل ابو حامد نسخه آتیه ملکی است .

۱ - بتصریح فصیحی خوانی در مجمل التواریخ این کتاب تکمیل و تزییل تمام جامع التواریخ رشیدی است و نسخه کامل و منحصر بفرد آن در کتابخانه آقای ملکی موجود است .

با پری زده دارند اندکی آهن

شکسته زلفا عهد و وفای من مشکن
چو من بدام هوای تو پای بسته شدم
زدوستی بدل و دیده در نشاختم
ز آب و آتش چشم و دلم رمیده مشو
از آتش دل من بوی ده چومشک تبت
چوسرو و ماه خرامان یکی بنزد من آی
بتی یربخ و آهن دلی و بی رخ تو
بمن نمای رخ و اندکی بمن ده دل
شکار جان مرا در کمان ابروی تو
نهاده بر رخ چون گل چونک شاهین چیست

چو زلف خود مکن از بار هجر قامت من
مکش سراز من و مستان زدست من دل من
بلی کزین دو پسندیده تر نبود وطن
که آب و آتش من دوست داند از دشمن
وز آب دیده من تازه شو چوسرو چمن
که ماه و سرو منی مشک زلف و سیم بدن
چنین پری زده کردار و شیفته است شمن
که پری زده دارند اندکی آهن
بله آن دو تو کسین سیار مست ناوگ زن
ز عنبر آن خط هرغول تیره روشن؟

سوزنی سمرقندی